

سرمه زان نایح محمدیم	ایقان تخت محمدیم	گاه دریم دگاه مر جانیم	گاه لعلیم گاه یا تویم
باده نوشان زخم مجرمیم	میرفروشان مصطبه زخمه	سکنان سرداق جبروت	محمدان حسرتیم لاهوتیم
جره فرودگان لغزیم	درینکین رفندم و عدت	پادشاهان کشور ملکوت	شهریاران شهر ناسوتیم
کنده از بر باس تقدیم	بایر تا سر کبوت تخمین	همچو زری بریر وجود	
همه چه بود بجه با ندیم	نقد با زری همیشتر عشقش	کابرجست و مدظا غنیم	
سخن عارفانه نشیدیم	هرگز از دوحضان به معنی	مهریدان سید خورشیدیم	پادشاهان هم از کرم درویشیم

همچو زری در این مصطفی

سایه برم ایام سیدیم

نوشته است از فراسم اعظم	توبه ان لوح محفوظ معظم	سایه برم ایام سیدیم	سازگارم ایام سیدیم
نوشته است از فراسم اعظم	نوشته است از فراسم اعظم	زاهد از پیش دکم چه سبکیم	مطلق از قید هر کم در پیشیم
چشمه است از فراسم اعظم	بجاست لعل که میرد به	غیر از پیشه سر با شیش	هرگز از باد سس نیندیشیم
منزه از است از فراسم اعظم	صفا تر مطلق از هر لوبه نالیغ	همچو زری مکتور فقر	تا بعد از ان معذرت کشیم

ایقان محمدیم